

ریخت شناسی داستان های سند باد بحری

استاد زبان و ادبیات فارسی فاطمه مدرّسی
عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه

کیوان گورک

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی واحد مهاباد

چکیده

جستار حاضر به بررسی و تحلیل داستان "سندباد بحری" می‌پردازد که خود از هفت داستان تشکیل شده و از مشهورترین قصه‌های هزار و یک شب است. از اوایل قرن بیستم گروهی از دانشمندان علوم انسانی روسیه شروع به تحلیل ساختاری متن‌های ادبی کردند و خود را فرمالیست نامیدند. مشهورترین این افراد، ولادیمیر پراپ نام داشت که بر روی مجموعه قصه‌های پریان روسی که آفاناسیف گردآوری کرده بود، تحلیل ساختاری را انجام داد. او شیوه و اسلوب کار خویش را ریخت شناسی نامید، به معنای مطالعه اجزای تشکیل دهنده قصه و روابطی که بین آنها وجود دارد. با توجه به اینکه کار پراپ کامل نیست و قابل تطبیق بر هر گونه داستانی نمی‌باشد، در این پژوهش، سعی شده شیوه‌ای جدید و ابداعی به کار گرفته شود. بدین ترتیب که داستان را ابتدا به ساختار افقی که نمایانگر دید جزئی نگر خواننده است تجزیه می‌کنیم، سپس کنش‌گرهای اصلی داستان، مشخص شده و در آخر داستان به ساختار عمودی که نمایانگر دید راوی یا دانای کل است تجزیه می‌شود تا به این ترتیب به شیوه‌ای کامل‌تر، هدف اصلی پژوهش که مطالعه اجزای قصه است، حاصل گردد.

کلید واژه‌ها:

ریخت شناسی، پراپ، سندباد بحری، ساختار افقی قصه، ساختار عمودی قصه

تعریف ریخت‌شناسی

تا اوایل قرن بیستم، اغلب نوشته‌هایی که در چارچوب مطالعات ادبی قرار داشتند، منظر، روش و ابزار بررسی خود را بیرون از متن جست و جو می‌کردند. ولی پیدایش مکتب فرمالیسم روسی نوعی دگرگونی جدید روش شناختی را رقم زد که در واقع هر گونه بررسی و تحلیل که به بیرون از اثر راه پیدا می‌کند مردود شناخته می‌شود.

به نظر فرمالیست‌های روسی « کار مطالعه یک اثر ادبی، کشف قوانین درونی اثر، از راه شناخت مناسبات عناصر زنده‌ی آن است » (خراسانی، ۱۳۸۷: ۹) در واقع روش کار فرمالیست‌ها، حاصل جمع اندیشه‌های ساختارگرایی و یافته‌های زبان‌شناسی است. آنان به بررسی ساختمان و فرم قصه می‌پردازند. برای اولین بار ولادیمیر پراپ، که یکی از برجسته‌ترین فرمالیست‌ها بود، ایده و نظریه‌ی فرمالیست‌ها را به تبعیت از روش کار زیست‌شناس‌ها، ریخت‌شناسی نامید. « واژه ریخت‌شناسی (morphology) یعنی بررسی و شناخت ریخت‌ها » (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۷). یکی دیگر از شیوه‌های تنظیم و طبقه‌بندی قصه‌ها، تجزیه و تحلیل ساختار و قالب این آثار است. این روش، پس از شکل‌گیری و رواج نظریه‌های فرمالیسم و ساختارگرایی به وجود آمده است.

« نخستین بار ولادیمیر پراپ، محقق روس، این شیوه را درباره قصه‌های پریان روسی آزمود. قصه پریان، که ما آن را افسانه جادویی می‌نامیم، داستانی است که در جهانی غیر واقعی روی می‌دهد، مکان و شخصیت‌های معین ندارد و سرشار از رخداد‌های شگفت و باورنکردنی است. کهن‌ترین نمونه از این گونه افسانه‌ها، متعلق به سال ۱۲۵۰ قبل از میلاد در مصر باستان یافت شده است. » (خدیش، ۱۳۸۷: ۱۲۵) برای قصه‌های عامیانه، مثل تمام گونه‌های دیگر ادبی، ویژگی‌هایی برشمرده اند. چنانکه از تعریف این گونه قصه‌ها بر می‌آید، خرق عادت، امور عجیب و غریب و ماورای طبیعی، سهم عمده‌ای در شکل‌گیری آنها دارند و شاید بتوان گفت: - مهمترین خصلت این قصه‌ها، همین امر است.

زمان و مکان در قصه‌ها مبهم و نامشخص است. « در حکایت، زمان از دلیل و علتی ناشی از حوادث پیروی نمی‌کند » (همان: ۲۰). از آن جا که اساس قصه‌ها بر امور غریب و

غیرطبیعی است، حقیقت و واقعیت‌های ملموس را منعکس نمی‌کنند «بیشتر قصه‌ها فاقد حقیقت‌مانندی است یا حقیقت‌مانندی ابتدای وضعیتی دارد... و خواننده ماجراهای قصه‌را باور نمی‌کند.» (همان: ۲۰) در واقع قصه‌ها از قوانین معمول و طبیعی پیروی نمی‌کنند، «نشانه‌های عدم واقعیت در داستان، به بارزترین شکل آن از طریق شخصیت بخشی، پدیدار می‌گردد. در داستان، حیوانات و اشیاء، در شخصیتی انسانی ظاهر می‌شوند و اعمال و افعال انسان‌ها از آن‌ها سر می‌زند، احساس عدم واقعیت و تصور این که این حیوانات و اشیاء، هر یک نماینده شخص یا صنف خاصی از انسان‌ها، با خلق و خوی‌ها و مراتب اجتماعی گوناگونند، امری طبیعی است.» (همان: ۲۱)

جملات کوتاه، افتادگی‌های لفظی، حذف‌های معنوی، یکسان بودن شیوه گفت و گو بین شخصیت‌ها و نبودن فاصله میان روایت و گفت و گو، از دیگر ویژگی‌های زبانی قصه است. زاویه دید معمولاً سوم شخص مفرد است ولی قانون ثابتی در این باره وجود ندارد. در واقع همه چیز در اختیار قصه‌گو است «گزارنده قصه به زاویه دید شخصیت یا قهرمان خاصی اکتفا نمی‌کند و هر جا که بخواهد، زاویه دید قصه را عوض می‌کند و قهرمان یا شخصیتی دیگر دنبال قصه را می‌گیرد. در واقع نقل حوادث مهم است و این نقل به هر صورت که در آید فرق نمی‌کند» (همان: ۲۳). درون مایه قصه‌ها، همان جدال ازلی و ابدی، یعنی نبرد بین نیکی و بدی است که قدمت آن به اسطوره آفرینش باز می‌گردد. در این نبرد - گاه با دشواری و عذاب - همیشه خوب پیروز و بد مغلوب است. خوب پاداش می‌گیرد و اهریمن مجازات می‌شود. به این ترتیب، قصه‌ها همواره مبلّغ سرشت نیک و یزدانی هستند. برادری و برابری، اصول انسانی، قواعد اجتماعی و عدل و داد، محتوای فکری قصه‌ها را شکل می‌دهند.

عامل مهم دیگر، نقش سرنوشت و تقدیر است که قهرمان قصه را از آن گریزی نیست هرچند تلاش‌هایی برای تغییر سرنوشت صورت می‌گیرد، ولی همگی محکوم به شکست و ناکامی است تا جایی که می‌توان گفت در افسانه‌ها، تقدیر جانشین حضور خدا شده است. پاره‌ی دیگر از خصلت‌های قصه‌ها به اختصار عبارتند از: اغراق و مبالغه، خیالبافی، پایان خوش، حضور قشرهای مختلف، و مطلق‌گرایی.

در این میان فرمالیسم، به کشف قواعدی علاقه مند است که متن به وسیله آن‌ها ساخته می‌شود و نیز به یافتن گرامری که الگوهای آن بتواند ساختار سازمان یافته‌ی یک اثر را از ورای جملات آن تعیین و تعریف کند. چنان که ملاحظه می‌شود آنچه برای فرمالیست‌ها بسیار اهمیت دارد خود متن است، فارغ از ریشه‌های تاریخی، محیط فرهنگی و مفاهیم اجتماعی یا روانی موجود در آن‌ها. «فرمالیست‌ها کوشیدند تا چیزی جز خود متن را به کار نگیرند. آنان اهمیت شناخت تکامل شیوه‌های بیان ادبی را انکار نکردند، اما نشان دادند که این شیوه‌ها فقط در موقعیت امروزی خود شناخته می‌شوند... پرسش اصلی برای فرمالیست‌ها این بود: تمایز متن ادبی با هر متن دیگر در چیست؟ یا به بیان دیگر ادبیّت متن چیست؟» (همان: ۴۳). از طرفی، یکی دیگر از دست‌آوردهای مکتب فرمالیسم توجه به متن‌هایی بود که تا آن هنگام جزو آثار ادبی به حساب نمی‌آمدند و به عنوان مثال کمتر کسی مطالعه‌ی حکایت‌های عامیانه را به عنوان بررسی ادبی می‌پذیرفت. پراپ کوشید با انتشار کتاب "ریخت‌شناسی قصه‌های پریان" حکایت‌های عامیانه را از حوزه فولکلورشناسی و فرهنگ‌شفاهی به حوزه مطالعه ادبی وارد کند. (خراسانی، ۱۳۷۸: ۸).

پراپ در ادامه صد قصه از مجموعه قصه‌های روسی که آفاناسیف آنها را گردآوری کرده بود، برگزید و آنها را بر اساس کنش‌ها و رویدادهای درون قصه‌ها، بررسی کرد. وی به این نتیجه رسید که افراد و شخصیت‌های قصه‌ها متفاوت هستند ولی کارهایی که انجام می‌دهند از شمار معینی تجاوز نمی‌کند. پراپ برداشتی اثبات‌گرایانه (positivistic) از روش تحلیل قصه عامیانه داشت و آن را با اسلوب مطالعاتی علوم ریاضی و فیزیک مقایسه می‌کرد. وی می‌اندیشید «هم چنان که در علوم اثباتی، اصطلاحاتی یک نواخت و دسته‌بندی‌هایی مشخصی وجود دارد که هر روز نیز پرداخته‌تر می‌شود، مطالعه قصه عامیانه نیز باید از روش آنها استفاده کند» (پراپ، ۱۳۸۶: ۹).

از سویی دیگر قصه‌ها جهان شمول هستند «از طرفی باید دانست قصه‌های عامیانه بی‌تاریخ و بی‌زمان هستند. عشق به قصه‌گوئی و شنیدن قصه، همیشه با آدمی همراه بوده است. قصه‌های عامیانه به آسانی با هر محیط اجتماعی و محلی انطباق می‌یابند، و از این رو، در عین کهنگی، تازه و امروزی هستند. اندیشه‌هایی که در پس این قصه‌ها نهفته است

در همان حال که ریشه در ناخودآگاه آدمی و ژرفای فرهنگ دارند، مدام تفسیر نو می-پذیرند». (همان: ۱) همین عام و تقریباً جهانی بودن الگوهای فرهنگی در فولکلور است که به تجزیه و تحلیل ساختاری فولکلور اهمیت می بخشد؛ «زیرا اگر ما بتوانیم الگوهای ساختاری موجود در یک موضوع، یا یک نوع فولکلوریک را جدا و توصیف کنیم، ممکن است بتوانیم راهی به شناخت ماهیت فرهنگ مربوط به آن به طور کلی، و همچنین به تعهدات آرمانی و رفتار واقعی مردانی که در آن فرهنگ شریکند، باز کنیم». (همان: ۱۳) یکی از هدف‌های تجزیه و تحلیل‌های ساختاری فولکلور، یا هریک از انواع گوناگون پدیده‌های فرهنگی دیگر- همچون زبان، ادبیات و غیر آن، آگاه شدن از جهان بینی نهفته در پشت این پدیده‌ها است. سخن کوتاه، نکته‌ی اساسی این است که تجزیه و تحلیل‌های ساختاری در هر امر و موضوع فرهنگی، خواه فولکلور باشد خواه زبان و خواه ادبیات، غایت و هدف بررسی نیست، بلکه تجزیه و تحلیل‌های ساختاری وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف و غایتی دیگر، «آن هدف و غایت شناخت بهتر طبیعت و سرشت انسان، و یا دست کم شناخت بهتر و بیشتر یک جامعه خاص انسانی است». (همان: ۱۴)

با گذشت زمان و پژوهش‌های بیشتر ثابت شد الگوهای پراپ نقایص زیادی دارد؛ بنابراین قابل تطبیق بر همه داستان‌ها نیست. پس باید شیوه‌ای کامل‌تر برگزید. «حکایت‌های هزار- و یک‌شب از لحاظ ساختاری پیچیده‌تر از مجموعه آفاناسیف است. عناصری که در هزار و یک شب هست با گروه بندی پراپ منطبق نیست یعنی کنش‌های داستان‌های هزار و یک شب در گروه‌های پراپ نمی گنجد» (خراسانی، ۱۳۷۸: ۳۰). باید دانست شخصیت‌ها در هزار و یک شب ملموس و روزمره هستند یعنی مفاهیم اخلاقی بر تمامی آنها حکم فرماست «از طرفی آدم پردازی در هزار و یک شب نماینده مفاهیم کلی و ازلی است که بر ثنویت اخلاقی نیکی و بدی بنا شده است. این آدم پردازی تابع آنگونه از انسان‌شناسی فرهنگی شرقی است که آدم‌ها را از آغاز تولد اسیر تقدیر می داند». (سپانلو، ۱۳۷۸: ۹۸).

بنابراین تقسیم بندی و نوع تجزیه و تحلیل پراپ، قابل تعمیم بر انواع دیگر داستان‌ها نیست «مقولات پراپ، قابل اطلاق بر همه نوع داستانی نیست پراپ مقولات خود را برای مقدار محدودی از مواد فولکلور روسی ترتیب داد و منتقدان اشاره کردند که بسیاری از قصه‌ها

هستند که با قواعد و قوانین پراپ تطبیق نمی‌کنند. از جمله قصه‌های هزار و یک شب «(ایروین، ۱۳۸۳: ۲۶۷). در این میان خود پراپ توضیحی دارد در تایید این نکته که «قصه عامیانه مانند هر موجود زنده می‌تواند صورت‌های گوناگونی را تولید کند.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۳۸). اکنون می‌پردازیم به ساختار و تحلیل داستان "سندباد بحری" تا درک بیشتر و عمیق‌تری از این قصه مشهور به دست آوریم.

بحث و بررسی

داستان سندباد بحری

داستان "سندباد بحری" که یکی از معروفترین قصه‌های هزارویک شب است برای ریخت‌شناسی انتخاب شده است و سعی بر آن است به کامل‌ترین شیوه‌ای تجزیه و تحلیل گردد. یعنی ابتدا خلاصه حکایت ذکر می‌گردد، سپس آن را به صورت ساختار افقی که نمایان‌گر دید خواننده است تجزیه می‌کنیم، و آنگاه شخصیت اصلی، یاری‌گر، قهرمان و ضدقهرمان مشخص می‌شود، سپس داستان به صورت ساختار عمودی که نشانگر دید دانای کل/راوی کل است تجزیه و تحلیل می‌شود.

خلاصه حکایت

مردی فقیر و بینوا که "سندباد حمال" نام دارد، از جلال و جبروت زندگی "سندباد بحری" در حیرت است. لیکن "سندباد بحری"، ماجراهای هفت سفرش را برای او شرح می‌دهد و او را قانع می‌کند که این ثروت را با دشواری گرد آورده است، اما ماجرای هفت سفر بدین گونه است:

سفر اوّل

"سندباد بحری" و همراهانش کشتی را سوی جزیره‌ای می‌رانند که در واقع نهنگی بزرگ است. پس با حرکت نهنگ، کشتی غرق می‌شود و "سندباد بحری" به سرزمینی می‌افتد که مردمانش با تمهیدی، مادیان‌های خود را با اسب‌های دریایی آمیزش می‌دهند.

سپس "سندباد بحری" سوار بر کشتی بازرگانان می‌شود و تمام اموال خود را در آنجا می‌یابد و پس از تجارت به بغداد برمی‌گردد.

سفر دوم

"سندباد بحری" در جزیره‌ای به خواب می‌رود و از کشتی بازمی‌ماند، بعد از مدتی سرگردانی او خود را به پای رُخ، پرنده‌ای غول‌پیکر می‌بندد و در سرزمین مارها فرومی‌افتد. در آنجا الماس‌های فراوان می‌یابد و بواسطهٔ کرکسی به فراز کوه می‌رود. آنجا بازرگانی را می‌یابد. با او و همراهان بازرگان، به سفر ادامه می‌دهد و پس از بیع و شری به بغداد بازمی‌گردد.

سفر سوم

"سندبادبحری" و همراهانش بعد از شکسته شدن کشتی در جزیرهٔ بوزینگان آدم‌خوار اسیر می‌شوند، اما او سرآخر سالم می‌گریزد و سوار بر کشتی می‌شود. این بار کشتی او را به جزیرهٔ اژدها می‌افکند. بار دیگر "سندبادبحری" با دشواری نجات می‌یابد و کشتی بازرگانان را می‌یابد و با آنان همراه می‌شود.

سفر چهارم

"سندبادبحری" و یارانش در سفر چهارم به سبب منحرف شدن کشتی‌شان سر از جزیرهٔ مجوسان آدم‌خوار در می‌آورند. "سندبادبحری" برخلاف دیگران از خوراک مجوسان نمی‌خورد و به این جهت سالم می‌ماند و می‌گریزد و از سرزمینی نیکو سر درمی‌آورد و در آنجا ازدواج می‌کند، ولی درمی‌یابد که رسم اهالی این سرزمین این است که اگر زنی یا شوهرش بمیرد، همسرشان هم با ایشان به خاک سپرده می‌شود. از سر تصادف، همسر "سندبادبحری" می‌میرد و مردم هر دو را به درون گوری می‌افکنند. "سندبادبحری" می‌تواند در زیرزمین راهی بیابد و به ساحل برسد و در آنجا کشتی بازرگانان را پیدا کند و همراه آنها بعد از بیع و شری به بغداد باز گردد.

سفر پنجم

"سندبادبحری" و همراهانش جوجهٔ رُخ را می‌خورند و به همین سبب، رُخ که پرنده‌ای عظیم است کشتی آنها را منهدم می‌کند. "سندبادبحری" خود را نجات می‌دهد و به

جزیره‌ای می‌افتد که در آنجا آدمیان عجیب می‌زینند. یکی از این آدمیان بر دوش "سندبادبحری" سوار می‌شود و پاهایش را به گردنش استوار می‌کند و پایین نمی‌آید. "سندبادبحری" او را مست می‌کند و از شانه پایین می‌اندازد و می‌گریزد و در شهر دیگری از راه چیدن جوز هندی ثروتی برهم می‌زند و به بغداد بازمی‌گردد.

سفر ششم

کشتی "سندبادبحری" راه گم می‌کند و سپس در اثر طوفان درهم می‌شکند و اهالی کشتی به جزیره‌ای می‌افتند و آنجا از گرسنگی جان می‌دهند. تنها "سندبادبحری" زنده می‌ماند که سوار بر تخته‌ای در مسیر جریان نهري حرکت می‌کند و به سرزمینی می‌رسد که پادشاهی مهربان دارد و آنجا می‌تواند همراه بازرگانان دیگر به سفرش ادامه دهد و به بغداد بازگردد.

سفر هفتم

بار دیگر کشتی "سندبادبحری" به دلیل حمله ماهی‌های غول‌پیکر درهم می‌شکند و او به جزیره‌ای غیرمسکونی می‌افتد و باز سوار بر تخته‌ای در مسیر نهر حرکت می‌کند و می‌گریزد و توسط شیخی مهربان نجات می‌یابد. "سندبادبحری" با دختر شیخ ازدواج می‌کند و در می‌یابد که اهالی شهر یک روز مشخصی از ماه، بال و پر درمی‌آورند و پرواز می‌کنند. "سندبادبحری" یک بار با آنها همراه می‌شود و به آسمان می‌رود، اما چون تسبیح خدا می‌گوید، از دست آدم‌های پرنده رها می‌شود و به زمین می‌افتد. در آخر او می‌تواند بار دیگر به شهر برگردد و اینجاست که درمی‌یابد اهالی این سرزمین برادران شیطانند. پس پنهانی سوار بر کشتی می‌شود و به بغداد بازمی‌گردد و دیگر خیال سفر نمی‌کند. در پایان حکایت، "سندباد بحری" و "سندباد حمال" با یکدیگر مأنوس و دوست می‌شوند.

ساختار افقی قصه

این شیوه تحلیل داستان، نمایان گر دید جزئی نگر خواننده است. به این معنی که خواننده خود را درون داستان و همراه با آنان احساس می‌کند و در حقیقت از نگاه قهرمانان داستان است که شخصیت‌ها و نقش و جایگاه آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

A: وضعیت اولیه: مردی به نام سندباد حمال از شوکت سندباد بحری در حیرت است. لیکن سندباد با ذکر داستان های هفت سفر دریایی، خود را در به دست آوردن این ثروت محقق می داند.

a۱: آغازگر ۱: در سفر اوّل کشتی سندباد، او و همراهانش را در جزیره‌ای بزرگ برای استراحت پیاده می کند.

a۲: مصیبت ۱: جزیره نهنگ بزرگی است و با حرکت نهنگ کشتی غرق می شود.

a۳: تقدیر ۱: سندباد با جریان آب به سرزمینی می افتد که مردمانش مادیان های خود را با اسبان دریایی آمیزش می دهند.

a۴: تقدیر ۲: سندباد سوار بر کشتی بازرگانان می شود و اموالش را می یابد.

a۵: فرجام ۱: سندباد بعد از تجارت به شهرش بغداد باز می گردد.

B: آغازگر ۲: سندباد به سفر دوّم می رود.

b۱: تقدیر ۳: سندباد به خواب رفته از کشتی باز می ماند.

b۲: یاری گر ۱: سندباد خود را به پای رُخ بسته در سرزمین مارها فرود می آید.

b۳: تقدیر ۴: سندباد در آنجا الماس های فراوان جمع می کند.

b۴: یاری گر ۲: بواسطه کرکسی به فراز کوه می رود.

b۵: فرجام ۲: در آنجا با بازرگانان به سفرش ادامه می دهد و به خانه اش باز می گردد.

C: آغازگر ۳: سندباد به سفر سوّم خود می رود.

c۱: شر ۱: سندباد و همراهانش در جزیره ای اسیر غول های آدمخوار می شوند.

c۲: شر ۲: غول شروع به خوردن آنان می کند.

c۳: تدبیر ۱: موقع خوابیدن غول، به دستور سندباد چوب نوک تیزی در چشم غول فرو می کنند.

c۴: انتقام ۱: سندباد و همراهانش سوار بر قایق ها می گریزند ولی چون غول ها به آنان سنگ پرتاب می کنند فقط سندباد و دو نفر زنده می ماند.

c۵: تقدیر ۵: سندباد و همراهانش به جزیره ای می رسند که ازدهایی در آن ساکن است.

c۶: شر ۳: ازدها دو همراه سندباد را می خورد.

- c۷: نجات ۱: سندباد از دور قایقی و افرادی می‌بیند و بوسیله آنان نجات می‌یابد.
- c۸: فرجام ۳: ناخدای کشتی اموال سندباد را حفظ کرده سندباد شادمان به شهرش باز می‌گردد.
- d: آغازگر ۴: سندباد به سفر چهارم خود می‌رود.
- d۱: مصیبت ۲: توفان کشتی آنها را در هم می‌شکند.
- d۲: تقدیر ۶: سندباد و همراهان سر از جزیره مجوسان آدمخوار در می‌آورند.
- d۳: شر ۴: مجوسان همراهان سندباد را می‌خورند.
- d۴: نجات ۲: سندباد می‌گریزد و سر از جزیره‌ای با مردمان نیکو در می‌آورد.
- d۵: تقدیر ۷: در آنجا عروسی می‌کند.
- d۶: شر ۵: با توجه به رسم آن سرزمین وقتی همسر سندباد می‌میرد، او را هم با او دفن می‌کنند.
- d۷: نجات ۳: سندباد در زیر زمین راهی پیدا می‌کند و می‌گریزد.
- d۸: فرجام ۴: سندباد کشتی بازرگانان را پیدا می‌کند و بعد از تجارت به بغداد باز می‌گردد.
- e: آغازگر ۵: سندباد به سفر پنجم می‌رود.
- e۱: تقدیر ۸: کشتی آنها در جزیره‌ای لنگر می‌اندازد.
- e۲: شر ۶: سندباد و دوستانش جوجه رُخ را می‌خورند.
- e۳: انتقام ۲: رُخ، کشتی آنها را درهم می‌شکند.
- e۴: تقدیر ۹: سندباد نجات پیدا می‌کند و به جزیره‌ای که آدمهای عجیب دارد می‌افتد.
- e۵: شر ۷: یکی از آنها سوار گردن سندباد می‌شود و پایین نمی‌آید و از او بیگاری می‌گیرد.
- e۶: تدبیر ۶: سندباد دوال‌پا را مست می‌کند و از شانه پایین می‌اندازد و می‌گریزد.
- e۷: تقدیر ۱۰: سندباد در شهر دیگری از راه چیدن جوزهندی ثروتمند می‌شود.
- e۸: فرجام ۵: سندباد با ثروت به دست آمده به بغداد باز می‌گردد.
- F: آغازگر ۶: سندباد به سفر ششم می‌رود.

- f۱: مصیبت ۳: کشتی سندباد راه گم می‌کند و بر اثر توفان درهم می‌شکند.
- f۲: تقدیر ۱۱: مسافران کشتی به جزیره‌ای می‌افتند و آنجا از گرسنگی جان می‌دهند.
- f۳: نجات ۴: سندباد نجات می‌یابد و آنجا سوار بر تخته‌ای در مسیر نهر حرکت می‌کند و به سرزمینی که پادشاهی مهربان دارد می‌رسد.
- f۴: یاری‌گر ۳: پادشاه به سندباد کمک می‌کند.
- f۵: فرجام ۳: سندباد به بغداد باز می‌گردد.
- H: آغازگر ۷: سندباد به سفر هفتم می‌رود.
- h۱: مصیبت ۴: کشتی سندباد و همراهانش بر اثر حمله ماهی‌های غول‌پیکر درهم می‌شکند.
- h۲: تقدیر ۱۲: او به جزیره‌ای غیر مسکونی فرود می‌افتد.
- h۳: نجات ۵: سوار بر تخته‌ای در مسیر نهری قرار می‌گیرد و می‌گریزد و توسط شیخی مهربان نجات می‌یابد.
- h۴: لحظه پیوند: سندباد با دختر شیخ ازدواج می‌کند.
- h۵: آغازگر ۸: اهالی شهر یک روز مشخصی از ماه، بال و پر در می‌آورند و می‌پرنند. سندباد هم همراه آنان می‌پرد.
- h۶: شر ۸: سندباد اسم خدا را بر زبان می‌آورد. آدمهای پرنده رهایش می‌کنند و او به زمین می‌افتد.
- h۷: شر ۹: سندباد می‌فهمد آنان یاران شیطانند.
- h۸: نجات ۶: سندباد پنهانی بر کشتی سوار شده به بغداد باز می‌گردد.
- h۹: فرجام ۷: سندباد بحری و سندباد حمال دوست می‌شوند و تا آخر عمر با هم زندگی می‌کنند.

شخصیت‌ها

اصلی‌ترین شخصیت داستان که جایگاه قهرمان اختصاص به او دارد "سندباد بحری" است. او در تمامی هفت سفر مخاطره آمیزش با شجاعت و درایت از تمامی موانع می‌گذرد

ریخت‌شناسی داستانهای سندبادبحری

و در نهایت از همه اتفاقات برای پیشبرد اهداف خویش بهره می‌جوید. ضد قهرمانان داستان همگی از موجودات خارق‌العاده و خطرناک هستند، که قهرمان داستان با شایستگی از آنان به سلامت عبور می‌کند. در این داستان راوی کل "سندباد بحری" است؛ بنابراین قهرمان داستان، راوی داستان نیز هست. نکته جالب در یاری‌گرها، این است که یکی از آنها در ضدقهرمانان هم نقش دارد که همان رُخ است، این یک ویژگی جالب برای داستان محسوب می‌شود.

سندباد بحری	قهرمان
نهنگ / مارها / غول آدمخوار / ازدهای آدمخوار / مجوسان آدمخوار / دوال پا / رُخ - / ماهی‌های غول‌پیکر	ضد قهرمان
راوی کل / سندباد بحری	راوی
بازرگانان / شیخ / ناخدایان / پادشاه / رُخ / خدا	یاری‌گر

ساختار عمودی قصه

این شیوه تحلیل قصه، نمایان‌گر دید دانای کل / راوی کل است؛ یعنی کسی که بر شخصیت‌های قصه مسلط می‌باشد، و این دلیل اصلی برای در جدول و نمودار نمایش دادن ساختار عمودی قصه است.

سندباد زندگی معمولی در بغداد دارد	تعادل اولیه
سندباد به سفر اول می‌رود. نهنگی کشتی را غرق می‌کند	برهم خوردن تعادل ۱
مردمان جزیره‌ای او را کمک می‌کنند	یاری‌گر ۱
سندباد با یافتن کشتی بازرگانان به بغداد باز می‌گردد	تعادل مجدد ۱
سندباد به سفر دوم می‌رود ولی در جزیره‌ای از کشتی جا می‌ماند	برهم خوردن تعادل ۲
رُخ غیر مستقیم او را کمک می‌کند	یاری‌گر ۲
بعد از جمع کردن الماس‌ها به وسیله کرکسی و به کمک بازرگانان رهایی می‌یابد	یاری‌گر ۳
سندباد با ثروتی فراوان به بغداد باز می‌گردد	تعادل مجدد ۲
سندباد به سفر سوم می‌رود و در جزیره‌ای، اسیر غول آدمخوار می‌شود	برهم خوردن تعادل ۳

تعداد مجلد ۳	سندباد و همراهانش غول را کور و می‌گریزند
برهم خوردن تعداد ۴	سندباد و دو همراهش در جزیره‌ای به دام اژدها می‌افتند. اژدها دو همراه سندباد را می‌خورد
یاری‌گر ۴	سندباد بوسیله افراد قایقی نجات می‌یابد و در آخر به بغداد باز می‌گردد
برهم خوردن تعداد ۵	سندباد به سفر چهارم می‌رود و توفان کشتی آنها را در هم می‌شکند
برهم خوردن تعداد ۶	سندباد و دیگران در جزیره‌ای اسیر مجوسان آدمخوار می‌شوند.
تعداد مجلد ۴	سندباد می‌گریزد و در جزیره‌ای که مردمان نیکو دارد ساکن می‌شود و آنها به او کمک می‌کنند و زن می‌دهند.
برهم خوردن تعداد ۷	سندباد را با همسرش که مرده دفن می‌کند.
یاری‌گر ۵	سندباد می‌گریزد و بازرگانان یک کشتی به او کمک می‌کنند.
تعداد مجلد ۵	سندباد بعد از تجارت به بغداد باز می‌گردد.
برهم خوردن تعداد ۷	سندباد به سفر پنجم می‌رود و در جزیره‌ای جوجه رُخ را می‌خورند و رُخ کشتی آنها را در هم می‌شکند.
تعداد مجلد ۶	سندباد و همراهانش در جزیره‌ای پناه می‌گیرند.
برهم خوردن تعداد ۸	در آن جزیره اسیر افراد عجیبی می‌شود که از گردنشان پایین نمی‌آیند.
تعداد مجلد ۷	سندباد با تدبیری نجات می‌یابد و می‌گریزد و با تجارت جوز هندی ثروتمند شده به بغداد باز می‌گردد.
برهم خوردن تعداد ۹	سندباد به سفر ششم می‌رود و در راه بر اثر توفان کشتی غرق می‌شود.
تعداد مجلد ۸	سندباد و همراهان در جزیره‌ای پناه می‌گیرند.
برهم خوردن تعداد ۱۰	همراهان سندباد بر اثر گرسنگی می‌میرند و سندباد از راه نهری می‌گریزد.

ریخت‌شناسی داستانهای سندبادبحری

تبادل مجدد ۹	در سرزمینی که پادشاه مهربان دارد پناه می‌گیرد.
یاری‌گر ۶	پادشاه به سندباد کمک می‌کند.
تبادل مجدد ۱۰	سندباد با ثروت زیاد به بغداد باز می‌گردد.
برهم‌خوردن تبادل ۱۱	سندباد به سفر هفتم می‌رود و کشتی حامل سندباد به وسیله ماهی‌های غول‌پیکر در هم می‌شکند.
تبادل مجدد ۱۱	سندباد در جزیره‌ای غیر مسکونی پناه می‌گیرد.
یاری‌گر ۷	سندباد با تخته‌ای در مسیر نهر گریخته و شیخی به او کمک می‌کند.
لحظه‌ی پیوند	سندباد با دختر شیخ ازدواج می‌کند.
برهم‌خوردن تبادل ۱۲	سندباد با اهالی شهر که در روز مشخصی بال در می‌آورند به هوا می‌پرد ولی تسبیح خدا می‌گوید و بر زمین پرتاب می‌شود.
تبادل نهایی	سندباد پنهانی به بغداد باز می‌گردد و تا آخر عمر به خوشی زندگی می‌کند.

قصه سندباد بحری، یکی از مشهورترین قصه‌های هزار و یک شب است که شهرتی جهانی دارد و از آن فیلم‌ها و کارتون‌های زیادی ساخته‌اند. در مورد اصل و ریشه این داستان نظرات بسیاری وجود دارد. که بدون تردید مأخذ مشترک همه آنها روایات شفاهی است. جرج حورانی فیلسوف انگلیسی معتقد است «کشتی داران و ناخدایان و جاشویان در قهوه‌خانه‌ها استراحت می‌کردند و قصه می‌گفتند، راست و دروغ، درباره شگفتی‌هایی که دیده بودند. با گذشت سده‌ها این قصه‌ها به صورت داستانهای سندباد در آمد.» (حورانی، ۱۳۳۸: ۱۰۰). همچنین در کتاب مشهور "عجائب الهند" تألیف "ناخدا بزرگ شهر یار رامهرمزی" می‌خوانیم «داستان‌خوانیدن لاک‌پشت عظیمی بر سطح آب دریاولنگر انداختن کشتی در کنار آن به گمان اینکه جزیره‌ای است و توقف مردم کشتی بر پشت حیوان و غوطه ور شدن آن در آب.» (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۲۸-۳۰). در تأکید اینکه کتاب رامهرمزی یکی از مأخذهای اصلی داستان‌های سندباد بوده است حورانی معتقد است که بزرگ، پسر شهریار رامهرمزی برآستی

«هنر داستان گویی دارد و کتابش پیشرو شایسته‌ای برای داستانهای سندباد در الف اللیل به شمار می‌رود.» (حورانی، ۱۳۳۸: ۹۲) داستان‌های دیگری را که با برخی مشاهدات سندباد خالی از مشابهت نیست دو تاجر مسلمان به نامهای سلیمان تاجر و ابوزید سیرافی نوشته‌اند. مسعودی در کتاب "مروج الذهب و معادن الجواهر" دیدارش با ابوزید حسن بن زید سیرافی در بصره می‌گوید: وی «به سال سیصد و سی‌ام از سیراف برون شده و به بصره اقامت گرفته بود... و عموزاده مزید بن محمد بن ابرد بن بستاشه فرمانروای سیراف بود و اهل دقت و تحقیق بود» (مسعودی، ۱۳۴۴: ۱۴۳)

آقایان تجلیل و کمال‌الدینی در مقاله‌ای منتشر شده در مجله دانشگاه تهران به نام "اصل و منشاء سندباد نامه و سیر تاریخی آن در زبان فارسی" اعتقاد دارند قصه سندباد اصل و منشاء پهلوی داشته است. «از تحریرهای سندباد نامه تنها یک نسخه منظوم از عضدی- و یک نسخه منثور از ظهیری سمرقندی- باقی مانده و هر دو به سرچشمه خود یعنی ترجمه از اصل پهلوی می‌رسند و به نسخه بزرگ کتاب سندباد که مؤلف الفهرست موجودیتش را خبر داده بود، ارتباط دارند. همچنین نسخه صغیر سندباد به عربی و یونانی ترجمه شده و سیر عالم کرده و توسط قصه پردازان به هزار و یک شب راه یافته است» (تجلیل و کمال‌الدینی، ۱۳۸۰: ۲۹-۳۰) از طرفی ستاری در پژوهشی گسترده که درباره سندباد بحری انجام داده است، تمامی مستندات و شواهد را در کتابی به نام "پژوهش درباره سندباد بحری" جمع آوری کرده است ولی ذکر تمامی آنها از حوصله این جستار خارج است؛ بنابراین به چکیده و نتیجه آنها اکتفا می‌کنیم. ستاری می‌گوید «حکایت سفرهای هفتگانه سندباد چنانچه اشارت رفت، شرح دریانوردی‌های کمابیش واقعی است که در قالب قصه و افسانه بیان شده است و قطعاً از امتزاج و ترکیب روایات مختلف بازرگانانی که به سفرهای دریایی می‌رفتند فراهم آمده است» (ستاری، ۱۳۸۲: ۹). بنابراین داستان‌های مربوط به عجائب و غرائب عالم و موجودات و سفرهای شگفت‌انگیز دریایی که لبریز از ماجراهای افسانه‌ای است، منحصر به یک قوم یا یک تمدن بشری نیست بلکه میراث کل جامعه بشری است.

نتیجه‌گیری

در بررسی حکایت، این نتیجه به دست آمد که رده بندی قصه از طریق مضمون آن امری غیر ممکن است؛ بنابراین ریخت‌شناسی قصه به ما کمک می‌کند قصه را بر پایه کنش‌های قهرمانان از جهت پیش‌بردی که در طول قصه دارند مورد بررسی قرار دهیم تا راه را برای مطالعه تطبیقی قصه‌های دیگر ملت‌ها هموار کنیم و نقاط اشتراک آنها را خیلی راحت بیابیم و هم اینکه رده بندی مواد داستانی صورتی علمی و دقیق بخود گیرد. مشخص است یکی از اهداف اصلی ریخت‌شناسی قصه‌های ملت‌های گوناگون، مطالعات تطبیقی بر روی آنها بوده است تا بتوان مشترکات بین ملت‌ها از قبیل ایدئولوژی، تفکر، سابقه تاریخی، احساسات و عواطف، نیازها و آرزوهای آنها را کشف کرد. باید بدانیم:

الف: انگیزه قصه‌گویی قهرمان، رسیدن به هدف خویش است مراد از انگیزش هم دلایل و هم اهداف شخصی اهالی قصه است. در واقع این باعث می‌شود او کارهای گوناگون انجام دهد تا به شخصیت خود نقشی کاملاً ممتاز بخشد و به هدف خود برسد. در واقع حکایت سندباد، فقط داستانی شامل قصه پری بازی‌ها و هرزه‌گانه نیست، بلکه سراسر زندگی انسانی را دربر می‌گیرد، مگر نه این است که در عین حال، شامل حوادث و وقایع گذشته و واقعیات زمانه و همزمان راوی ماجراهای سوداگرانه و سیرری ناپذیرانه‌ی انسان (تاجر_سوداگر) هر عصری است. پس سندباد بحری سالکی رازآموز نیست. او دریانورد نیست، تاجر است.

ب: ساختار کلی حکایت با وضعیت اولیه شروع می‌شود و آنگاه با ورود قهرمان به قصه گسترش می‌یابد، در حقیقت داستان از آن لحظه آغاز می‌شود و این یکی از نکات مهم بررسی قصه می‌باشد.

پ: تقدیر و جبرگرایی مطلق بر فضای تمامی قصه حکمرانی می‌کند و در حقیقت قهرمان و ضد قهرمانان، بازیچه سرنوشتی از پیش تعیین شده و محتوم هستند.

ت: درون مایه سندبادبحری، کهن الگوی روایت است. در واقع کهن الگو، اصطلاحی - یونگی است برای محتویات ناخودآگاه جمعی، این تصاویر نخستین، در طول روزگاران به شکل‌های گوناگون بروز کرده است از جمله در قالب اسطوره و داستان، به صورتی که یونگ،

اسطوره‌ها و افسانه‌های پریان را تجلی کهن الگوها می‌داند در واقع کهن الگوی روایتی که بر داستان‌های سندباد حاکم است؛ یعنی آرامش، گره فکنی، تعلیق و گره گشایی. در واقع داستان، تعادلی آغازین است که پس از به هم خوردن و ایجاد جدال و تعلیق، در نهایت به تعادل دوباره می‌رسد؛ اما تعادل پایانی با تعادل آغازین تفاوت دارد.

ث: آنچه در داستان سندباد بیش از هر چیز به چشم می‌خورد ساختار تو در توی آن است. به گونه‌ای که هر داستان از دل داستان دیگر بر آمده و یا شامل داستان‌های دیگر است این شیوه به آنجا می‌رسد که اشخاص فرعی یک داستان تبدیل به راوی یا شخصیت و پرسوناژ اصلی داستان دیگر می‌شود.

ج: تم اصلی داستان بر پایه‌ی حوادث ریخته شده است. حوادثی که در آن دلایل عاطفی و احساسی بر منطق و دلایل منطقی می‌چربد. حوادثی که قهرمان آن (typical) بوده هرگز از این محدوده پارافراتر نمی‌گذارد. آدم‌ها درون ندارند و به وسیله‌ی اعمال بیرونی شناخته می‌شوند.

ح: داستان‌های سندباد بحری، حکایاتی منسجم و یک دست از لحاظ تخیل و نمونه‌ای کامل از قصه‌های ماجراجویانه است. داستان سندباد حکایتی تمثیلی است، یعنی شرح و وصف واقعیت زندگانی پرتلاش سوداگری کوشا و ماجراجو و هوشمند که از یکنواختی ملال‌آور زندگانی هر روزه می‌گریزد و شوق دیدن جاهای ناشناخته و ذوق خطر کردن و لذت بردن از رویارویی با پیشامدهای نامنتظر است. سندباد در واقع نادره‌ی دوران یا نمونه کامل سوداگری کامکار است. او از هر موقعیتی سود می‌جوید و چون قضا سازگار می‌آید شکر حق می‌گوید. سندباد مستمع ساده‌دل را به شگفت می‌آورد و او را به خاطر گستاخی‌ها و ناشکری‌هایش شرمند می‌کند. در آخر باید گفت: سندباد گواه راستین و نماینده‌ی کسانی است که وفور نعمت را فقط بر اثر سعی و تلاش خود به دست آورده‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱- اسکولز، رابرت؛ (۱۳۷۹)؛ درآمدی بر ساختارگرایی ادبیات؛ مترجم: فرزانه طاهری؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر آگاه.
- ۲- ایروین، رابرت؛ (۱۳۸۳)؛ تحلیلی از هزار و یک شب؛ مترجم: فریدون بدره‌ای؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر پژوهش فرزانه روز
- ۳- تجلیل - جلیل، کمال الدین - محمد باقر؛ (۱۳۸۰)، مقاله "اصل و منشاء سندبادنامه"، مجله دانشگاه تهران، شماره ۲، ص ۲۹ - ۳۰.
- ۴- پراپ، ولادیمیر؛ (۱۳۸۶)؛ ریخت‌شناسی قصه‌های پریان؛ ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای؛ چاپ دوم؛ تهران؛ نشر قدس.
- ۵- حورانی، جورج؛ (۱۳۳۸)؛ دریا نوردی عرب در دریای هند؛ ترجمه‌ی محمد مقدم؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر.....
- ۶- خدیش، پگاه؛ (۱۳۸۷)؛ ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر علمی و فرهنگی.
- ۷- خراسانی، محبوبه؛ (۱۳۸۷)؛ درآمدی بر ریخت‌شناسی هزار و یک شب؛ چاپ اول؛ اصفهان؛ نشر تحقیقات نظری.
- ۸- رامهرمزی، شهریار؛ (۱۳۴۸)؛ عجائب هند؛ ترجمه‌ی محمد ملک زاده؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر کتاب.
- ۹- ستّاری، جلال؛ (۱۳۸۲)؛ پژوهش در حکایات سندباد بحری؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر مرکز
- ۱۰- سپانلو، محمد علی؛ (۱۳۷۸)؛ هفتاد قصه از سرچشمه‌های ایران و اسلام (قصه قدیم)؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر قطره.
- ۱۱- شایگان، داریوش؛ (۱۳۷۱)؛ بت‌های ذهنی و خاطره‌آزلی؛ چاپ دوم؛ تهران؛ نشر امیر کبیر.
- ۱۲- مسعودی، حسین؛ (۱۳۴۴)؛ مروج الذهب و معادن الجواهر؛ ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده؛ جلد اول؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر علمی فرهنگی.
- ۱۳- _____، (۱۳۸۶)؛ داستان‌هایی از هزار و یک شب؛ مترجمان: فواد نظیری؛ لیلا خانپور؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر ثالث.
- ۱۴- _____، (۱۳۸۶)؛ داستان‌های هزار و یک شب؛ گردآوری ابراهیم اقلیدی، چاپ اول؛ تهران؛ نشر مرکز.
- ۱۵- _____، (۱۳۸۸)؛ جهان هزار و یک شب؛ ترجمه‌ی جلال ستّاری؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر مرکز.